

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل پانزدهم

مندرج در دفتر اول جلد ششم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان
و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی
(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵
حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- ۱ _____ **توفان و کنفدراسیون جهانی**
- ۱ _____ **دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم**
- ۲ _____ **سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم**
- ۲ _____ **یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران**
- ۱۰ _____ **سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم**
- ۱۰ _____ **جمع‌بندی پیشنهادی به مجمع عمومی انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در برلن غربی**
- ۱۷ _____ **سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم**
- ۱۷ _____ **به دفاع از جنبش نوین انقلابی خلق به پا خیزیم**

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

مندر ج در دفتر نخست جلد ششم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

مندرج در فصل پانزدهم بخش: (جنبش چریکی و تاثیرات مخربش در کفدراسیون جهانی)

یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

يك پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

تحولات نوید بخشی جنبش مارکسیستی ایران را فراگرفته و افق‌های گسترده و تابناکی در برابر آن گشوده است. "بیانیه" اعلام موضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران "بمشابه" نتیجه و انعکاس این تحول و پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم در صحنه پیکار انقلابی میهن ما، پیام آور این افق روشن است. درگرونی عمیق در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق رویداد تاریخی مهمی است که با تاثیرات تعیین کننده خود بر مجموع جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، راه های اعتلا و تکامل آتی آنرا روشنی می بخشد. پیروزی سازمان مجاهدین خلق ایران در یافتن ریشه های اساسی نارسائی ها، در شناخت منشأ ایدئولوژیک ضعف ها، در طرد معیارهای کهنه و در درک ضرورتها نوین تاریخی و سیاسی که بر اساس تجربه و پراتیک ده سال مبارزه انقلابی، چهار سال مبارزه مسلحانه و دو سال مبارزه پیرومند ایدئولوژیک و در دشوارترین شرایط داخلی و خارجی و در جریان پرشورترین پیکارهای انقلابی بدست آمده است، نه تنها پیروزی سازمان و رزمندگان آگاه، مصمم و وفادار آن، بلکه همچنین یک پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم، یک پیروزی خلق زحمتکش ما و ضربه سهمگینی است بر پیکر رژیم مزدور شاه. این پیروزی بزرگ که قلوب همه مارکسیست-لنینیست های واقعی و انقلابیون راستین را گرمی می بخشد، نیروی محرکه قدرتمندی است در تسریع حرکت و تحول آتی و انسداد ناپذیر جنبش انقلابی خلق ما و ایجاد امکانات عملی و تضمین های واقعی پیشروی ظفرمند آن.

رخداد تاریخی پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در شرائطی بوقوع می پیوندد که یک کارزار وسیع جعل و تحریف و سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک و یورش به صحنه پلیسی و سرکوب فاشیستی رژیم شاه را همراهی میکند. در سالهای اخیر، بموازات رشد جنبش انقلابی و نفوذ روزافزون اندیشه های مترقی و پیدایش و شکل گیری گروه ها و تشکلهای متعدد مارکسیستی و انقلابی در ایران، امپریالیسم جهانی، ارتجاع یویی و بورژوازی وابسته ایران به نمایندگی دار و دسته مزدور محمد رضا شاه که تجربه دیرینه تبه کاریهای ضد انقلابی و برنامه ها و تدابیر گوناگون ضد کمونیستی نه تنها در ایران بلکه همچنین در سایر نقاط جهان را توشه دارند، علاوه بر اعمال شدیدترین ترور فاشیستی، از طریق سازمان دادن یک کارزار پر دامنه ضد کمونیستی و گسترش بی سابقه سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک نیز به مقابله با اندیشه های انقلابی رشد یابنده، به مقابله با مارکسیسم لنینیسم دست زده و با استفاده از کلیه جریب یانات ضد مارکسیستی، از ترسکیم و انحرافات گوناگون آنتی کمونیستی مشابه تا "مارکسیسم" جیره خواران تلویزیونی، به این بسیج ضد انقلابی در زمینه ایدئولوژیک، ابعاد گسترده ای بخشیده اند. و بالاخره این تحول در شرائطی انجام میگیرد که تشبیهات و تبلیغات ضد انقلابی رویونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی و عوامل ایرانی آن، در او دسته خائن "گمیت" مرکزی حزب توده، علیه مارکسیسم لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون اوج افسار گسیخته ای یافته و به نحو آینه واری دامن زده میشود. پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در چنین شرائطی به این رخداد تاریخی ویزگی و برجستگی خاصی می بخشد و در عین آشکار ساختن ناکامی تلاشهای گوناگون و تعرضات ایدئولوژیک نیروهای ارتجاعی، نشانه عمق این تحول بزرگ، نشانه دست یابی آگاهانه و مستحکم سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم لنینیسم بمشابه یکانه تئوری صحیح انقلابی و تنها وسیله رهائی قطعی پرولتاریا و زحمتکشان است.

تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران به غلبه بر پندارگراییهای ایدئالستی، به درگرونی جهانی فلسفی و اعتقادات ایدئولوژیک آن و قبول احکام عام مارکسیسم لنینیسم خلاصه نمیکردد و دامنه آن تا زمینه های مختلف سیاست، برنامه و مشی سازمان گسترش می یابد. سمنگیری صحیح در پاره های مسائل مهم تئوری و پراتیک جنبش مارکسیستی و انقلابی ایران، رسیدن به یک سلسله استنتاجات مهم عملی و اتخاذ مواضع عمیق و روشن در قبال رویونیسم جهانی بمشابه یک جریان عمده ضد انقلاب جلوه های دیگر این تحول و پیروزیست. درگرونی در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق به سبب عمق و ابعاد بزرگ آن و از آنجا که به یک پیروزی مارکسیسم لنینیسم در یکی از میدانهای مهم مبارزه ایدئولوژیک محدود نمیکردد، بلکه در این حقیقت تجلی می یابد که این پیروزی در آتش پیکارهای انقلابی و در پیوسته آزمایش و پراکند بدست آمده و صیقل یافته است، لاجرم در کنار ایجاد تغییرات عمیق در تناسب قوای موجود در جنبش انقلابی میهن ما و در صحنه مبارزه طبقاتی در ایران، بر سمنگیری، پراتیک و مشی جنبش عمیقاً تاثیر می بخشد و بطور موثری به ایجاد درکی درست از مطالبات و نیازهای واقعی جنبش یاری میرساند.

سمتگیری صحیح سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت پیوند سیاسی - تشکیلاتی با زحمتکشان و جنبش خود بخود طبقه کارگر، درک روشن ضرورت این سمتگیری، تلاش در شناخت و کشف قانون مندی‌های آن، در یافتن راه‌های عملی مشخص، در سازماندهی و فراهم آوردن وسائل موثر انجام این وظیفه، مرم و تخطی ناپذیر، یکی از تظاهرات مهم این تحول و از نتایج درخشانی است که سازمان مجاهدین خلق بر اساس ارزیابی مبارزات سالهای اخیر، بویژه مبارزات مسلحانه، سازمانهای انقلابی و بانگ تجارب، دستاوردها و کمبودهای اساسی این مبارزات بدان نائل آمده است. آمادگی و انعطاف انقلابی سازمان در انتقاد اصولی از ضعف‌ها، نارسائیه‌ها و خطاها، در پذیرش صادقانه ضرورتها، مبارزه، در گردن نهادن به "حقایق ناشی از درک عمیق تر منافع توده‌ها و لزوم سمت گیری مشخص به سمت زحمتکشان - ترین اقشار و طبقات اجتماع" (نقل از "بیانیه...") که نمونه برجسته حرکت صمیمانه از منافع والای خلق و قدرت و کیفیت سازمان در تحلیل درست واقعیت‌ها و آموزش خلاق از تجربه و پراتیک انقلابیست، امکان داد که سازمان بتواند بجای بی‌اعتنائی به واقعیت‌ها و تجارب مبارزه، بجای زنجیرشدن در حصار پراتیک محدود و اندیشه‌های التقاطی و نارسا، با خلاقیت و روشن بینی راه آینده خویش را روشن سازد و بموازات رشد مبارزه و تکامل سازمان گامهای بزرگی در راه غلبه بر نواقصی که بطور عمده محصول ضعف جنبش نوین انقلابی، نارسائیه‌های تئوریک و تجربه محدود و عملی آن و انعکاس مراحل کودکی سازمان، شرائط شکل‌گیری، ترکیب و کاراکتر طبقاتی عناصر تشکیل دهنده آن بود بردارد و مدرك وسیع‌تر و عمیق‌تری از وظائف جنبش و سازمان از مبارزه مسلحانه و از پیوند با زحمتکشان نائل آید: "استنباطات امروزه مبارزه مسلحانه مسلماً نمیتواند و نباید درست بر همان استنباطات محدود چهار یا پنج سال پیش، وقتی که اولین برخوردهای "مسلحانه بین نیروهای پیش‌تاز خلق و دشمن بوجود آمد، منطبق باشد. این استنباطات اکنون باید بسیار پیشرفته تر و پیچیده تر و ناظر بر ابعاد جدید تری از پیشرفت همه جانبه کار باشد. این موضوع مصداق بارزی در سازمان ما دارد. ما در طی این دوران ابعاد جدید تر و معنای بسیار وسیع‌تری از مبارزه مسلحانه را درک کردیم که برخورد با دشمن تنها یک "بعد آنرا نشان میداد." (نقل از "بیانیه..." - صفحه ۲۸). این حرکت رشد یابنده، استنباطات پیشرفته و درک وسیع از مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد عینی، بر جمع بندی از دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی است سازمان را بسوی استنتاج واقع بینانه از گذشته و شناخت درست وظائف کنونی رهنمون میسازد:

"بدین ترتیب ملاحظه میشود که جنبش مسلحانه پیش‌تاز بلافاصله در اولین گامهایش به آنی ترین و ملموس ترین گرایش "روشنفکران (هدفهای مکرراتیک مبارزه مسلحانه، پیش‌تاز) و منافع و نظرات سیاسی جناح چپ خرده بورژوازی سنتی شکل "قهرآمیز مبارزه علیه رژیم حاکم) نزدیک میشود. و متقابلاً این دو قشر نیز حمایت و وابستگی فعال خود را به جنبش مسلحانه اعلام داشته و به اولین ذخائر تغذیه جنبش تبدیل میشوند.

"اما مسلماً هدفهای جنبش مسلحانه پیش‌تاز به جلب و پشتیبانی و همکاری این اقشار که بخش بسیار کوچکی از نیروها "خلق را تشکیل میدهند، خاتمه نمییابد. مخصوصاً که حمایت و همکاری این نیروها و ارتباطشان با جنبش مسلحانه بنا به "دلائلی که به ماهیت متزلزل طبقاتی آنها و به استنباطات غیرپرولتری آنها از مبارزه مسلحانه بر میگردد، همواره مشروط "و ضربه پذیر است. در واقع غیر از آن عناصر بسیار معدودی از این قبیل روشنفکران (و عناصر بسیار بسیار معدود تری، بر صحر "خرده بورژوازی) که میتوانند بندهای طبقاتی را پاره کرده و بتماه در هدفهای اساسی سوسیالیستی جنبش مسلحانه حل شوند، بقیه آنها که اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند، تنها در حدود درخواستهای مکرراتیک و منافع محدود طبقاتی "خویش پیش خواهند آمد (ولا جرم فشارهای مبارزه انقلابی را نه تا حد یک مبارزه پرولتری، بلکه تا حد همین درخواستها و "منافع تحمل خواهند کرد). بدین ترتیب، به مرور و با افزایش و تشدید قهر ضد انقلابی دشمن، یا این نیروها صفوف جنبش "را ترک خواهند کرد و یا آنرا وادار به ورود در بن‌بستی از تمایلات محدود و انحرافی خود خواهند نمود.

"نتیجه آنکه، سازمانهای مسلح پیش‌تاز (یا سازمان جنبش) باید اساسیترین تکیه گاههایش را نه بر احساسات

"جریحه‌دارنده، روشنفکران از دیکتاتوری موجود، نه بر عصیان خشم‌آلود خرده بورژوازی چپ در مقابل هجوم نابودکننده "بورژوازی حاکم، بلکه باید بر روش توده، تحت‌ستم و طبقات زحمتکش قرار دهد که رژیم هیچ گونه امکانی برای سازش با آنها "و وجد اگر نشان از جنبش انقلابی - ندارد. این طبقات با آنکه از آگاهی بسیار کمتری نسبت به طبقات متوسط "برخوردارند، اما بمجرد آنکه تئوری انقلابی بیان آنها رسوخ کند و بمحض اینکه منافع اساسی خویش را در هدفهای "سیاسی جنبش انقلابی درک نمایند، تبدیل به چنان دژهای عظیم تسخیرناشدنی از نیروهای انقلابی خواهند شد "که پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهند ساخت." (نقل از "بیانیه..." - صفحه ۳۳/۳۲).

این نتیجه گیری عمیق از حرکت جنبش نوین انقلابی و از وظائف جنبش مارکسیستی لنینیستی و بویژه سازمانهای مسلح آن و این ارزیابی از ضرورت پیوند سیاسی و تشکیلاتی با زحمتکشان و روی آوردن آگاهانه و استوار بسوی جنبش خود-بخودی طبقه کارگر و مبارزه خلل ناپذیر و غیرقابل شکست پرولتاریا، بویژه در لحظات کمونی، در شرائط رشد مبارزات و اعتصابات کارگری، در شرائط بیداری روزافزون توده های کارگر، بیش از پیش اهمیت می یابد. در چنین شرائطی، وجود سازمانهای آگاه و مبارزان مصمم و ثابت قدمی که با درک ضرورت تلفیق مارکسیسم با جنبش کارگری، با درک ضرورت مبرم پیوند عناصر آگاه با مبارزه طبقه کارگر، با سلاح تئوری انقلابی و با پرچم مارکسیسم لنینیسم بسوی کارگران و بسوی مبارزات خود بخودی طبقه کارگر گام برمیدارند، امکانات و دورنمای گسترده ای را در برابر جنبش انقلابی و مارکسیستی میهن ما می گشاید. بدین ترتیب، جنبش نوین کمونیستی و انقلابی ایران میتواند با گامهای بلندی از حصار مستحکمی که از یکسوسیسم گسترش یافته پلیسی و از سوی دیگر ضعف جنبش میان عناصر پیشرو و توده های زحمتکش ایجاد کرده بود، عبور کند و علیرغم شرائط دشوار مبارزه سیاسی و محدودیت امکانات ارتباط با توده ها و سازماندهی پرولتاریا، بتدریج راه پیمائی بزرگ خود را آغاز نماید. بدون تردید، هرگاه در این راه، در عین حال گامیت در راه طرد انحرافات، در راه زدودن تاثیرات ایدئولوژی های غیرپرولتری و در راه تحکیم و اعتدای جنبش: "استحکام ایدئولوژیکی هسته های رزمنده، روشنفکری، تصحیح مواضع و استنتاجات ناصحیح و غلبه بر انحرافات، ضعف ها و ناتوانی ها تنها میتواند طی شرکت طولانی در پراتیک مستقیم پرولتاریا و خلق و در جریان پیوند استوار سازمانی و سیاسی با نیروها و سبب اصلی انقلاب تحقق یابد." (مسائل انقلاب و سوسیالیسم - ارگان گروه اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر - شماره ۱).

یکی دیگر از دستاوردهای عمده سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان مبارزه ایدئولوژیک و تحول اخیر، مرزبندی روشن و قاطع با رویزیونیسم جهانی بمنابۀ یک جریان ضد انقلابیست، مرزبندی عمیقی که به بیان تئوریک مشخصات رویزیونیسم معاصر محدود نبوده، بلکه به بررسی "منشأ اجتماعی و تاریخی"، "پروسه پیدایش و رشد"، "پایگاه اجتماعی" و نتایج عملی آن هم بطور عام و هم بطور مشخص، در ارتباط با رویزیونیسم خروشنچپی و سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی، و سیاست و منشی "سازشکارانه، تسلیم طلبانه و کودتاگرانه" نمایندگان و مبلغین ایرانی آن یعنی دآوردسته خائن کمینه مرکزی حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما، بسطی یابد.

این واقعیت که امروز در میدان نبرد انقلابی میهن ما، از درون جنبش نوین کمونیستی ایران، بار دیگر رزمندگانی برمی خیزند که روشن تر از همیشه در برابر رویزیونیسم وطنی و جهانی، در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی قد علم میکنند، نه تنها نشانه همنده درستی این حکم داهیهانه لنینی است که مبارزه علیه امپریالیسم، بدوم مبارزه علیه امپریونیسم، بدون مبارزه علیه رویزیونیسم سخن پوچی پیش نیست، بلکه همچنین همین این حقیقت است که هر قدم واقعی و رشید - یابنده ای که جنبش کمونیستی ما به پیش برمیدارد، نمی تواند با مرزبندی صریح و مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم در صحنه جهانی و در عرصه ملی همراه نباشد. درواقع، برای مارکسیست لنینیست های واقعی مبارزه علیه رویزیونیسم یک موضعگیری نبوده بلکه یک ضرورت حیاتی جنبش را تشکیل میدهد. در شرائط تعرض ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی، هیچ جنبش انقلابی نمیتواند بدون حفظ هشیار انقلابی، بدون شناخت هدفها و مقاصد واقعی این جبهه ضد انقلاب ایدئولوژیک، تشکیلاتی و استحکام انقلابی خود را تضمین کند. هیچ جنبش مارکسیستی نمیتواند بقا و دوام خود را تضمین نماید مگر اینکه در پروسه آموزش و عمل انقلابی، در جریان مبارزه طبقاتی، همواره و بطور وقفه ناپذیری گرایش های التقاطی و انحرافی غیرمارکسیستی و ضد مارکسیستی و قبل از همه رویزیونیسم را از کلیه صحنه های حیات و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیک، تشکیلاتی و عملی خود بزداید و خود را از گزند دستبرد و تعرض آن مضمون نگاهدارد. این ضرورت بویژه از اینجا ناشی میشود که رویزیونیسم جهانی به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی به سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان بمناطق نفوذ اکتفا نکرده، بلکه تلاش دارد بطرق مختلف و بویژه از طریق سیاسی و ایدئولوژیک بدرون جنبش های آزاد بیخس و جنبش های انقلابی جهان رخنه کرده و با بهره بردار از نارسائی ها، ضعف ها و مشکلات مرحله ای این جنبش ها، آنها را از نظر سیاسی / ایدئولوژیک منحرف ساخته، تحت نفوذ و سیطره خود درآورد و حتی وجما المعامله سازش با سایر قدرتهای امپریالیستی قرار دهد. لذا در چنین شرائطی، انقلابیون راستین و مارکسیست لنینیست های واقعی نمیتوانند به مقابله جدی و پایدار در برابر این خطر عظیمی که همواره جنبش را تهدید میکند برنخیزند. هرگونه کم بهادان به این خطر حتی اگر با سخت ترین، خشن ترین و بیشرورترین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم همراه باشد، در تحلیل نهائی بمنزله بازگذاشتن درهائی است برای رخنه و نفوذ رویزیونیسم، برای هجوم ضد انقلاب، برای درغلتیدن جنبش انقلابی به ورطه سازش و ارتداد.

بر این اساس، هتیار و مواضع روشن و قاطع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر رویزیونیسم و تحلیل از این پدیده "بمثنایه" انحرافی...، بسمت تفکر و منافع سرمایه داری و از سر انجام تئوریهای تسلیم طلبانه رویزیونیست های شوروی و تبلور آن "در بازگشت به نوعی از مناسبات سرمایه داری در داخل جامعه شوروی" و "در اتخاذ نوعی سیاست امپریالیستی" و بالاخره این آگاهی عمیق و ارزیابی روشن که "رویزیونیست ها بدترین دشمنان توده ها هستند، چرا که خود را در لباس دوست می آرایند"، تضمینی واقعی در برابر رخنه و نفوذ این خطر و در تحکیم مبانی ایدئولوژیک سازمان است.

بدون تردید، تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران و دستاوردهای آن برانگیزنده شور و شوق عمیق در میان کلیه مارکسیست لنینیست های واقعی و مبارزات آگاه میهن ماست. اما شك نیست که وظیفه و تعهد مارکسیست لنینیست ها در قبال این تحول بزرگ نمیتواند تنها به بیان هیجان و اشتیاق انقلابی آنان، به تهنیت و ستایش این درگونی و یا حتی پیش از آن به شمارش دستاوردها و نشان دادن اهمیت تاریخی واقعی این رخداد محدود گردد. در این صورت چنین تجلیل و ستایشی، چنین شور و شوقی چیزی جز عبارت پردازیهای انقلابی و بیان و ارضاء احساسات آنی و گذرانخواهد بود. این شور و هیجان باید نه در تظاهر و بیان ساده آن بلکه در میدان مبارزه و در پراتیک انقلابی تجلی یابد. بر روی تحول سازمان مجاهدین خلق باید بمنظور آموزش عمیق از آن، بمنظور روشن ساختن وظائف و تسریع حرکتی انجام گیرد که سازمان مجاهدین خلق با مبارزه ای پرشور و با انرژی انقلابی خستگی ناپذیری، مصممانه در راه آن گام نهادهاست. همراهی سازمانها و گروه های مارکسیستی و انقلابی درون کشور با حرکت سازمان مجاهدین خلق و پاسخ مثبت آنان به دعوت و راه گشایی آن، گام بزرگی در راه سنگبری صحیح جنبش، در راه بسط همه جانبه مبارزه، در راه رشد مبارزه ایدئولوژیک فعال، در راه تجمع گردانهای پراکنده انقلاب و پاسخ به نیازهای جنبش و به مطالبات واقعی مبارزه است.

طرح "جبهه واحد توده ای" از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، بمثنایه یک امکان تمرکز نیروهای پراکنده جنبش، در شرائطی که تمرکز بیش از پیش نیروهای دشمن و قدرت تشکلی، هماهنگی نیروهای انقلابی، غلبه بر خرد کاری و پراکندگی سازمانی را هرچه بیشتر ضروری میسازد، در شرائطی که همه نیروهای مارکسیستی و انقلابی ایران از لزوم جمع و تمرکز ساختن نیروهای پراکنده جنبش سخن میرانند ولی تصور روشنی از چگونگی و آغاز آن ندارند و یا با ارائه نقطه نظرهای نادرست، با مطلق کردن این یا آن جنبه و با گرایشات سکتاریستی بجای چاره اندیشی های موثر، عملاً بر ایهامات و سر درگمی ها می افزایند، میتواند بعنوان یک راه یابی مشخص پایه بحث مارکسیست لنینیست ها و نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد و در روند کوشش مشترک و بموازات برداشتن گامهای عملی که بی شک باید با مبارزه ایدئولوژیک سالم و خلاق همراه باشد، مشخص و دقیق تر گردد.

مارکسیست لنینیست های ایرانی در خارج از کشور که بخاطر دوری از صحنه اصلی پیکار انقلابی و داشتن نقش ثانوی در مجموع مبارزه خلق و وظائف مارکسیستی خود را بطور عمده از طریق کمک همه جانبه به جنبش مارکسیستی درون کشور و خدمت در راه نیازمندیهای آن و ترویج مارکسیسم و شرکت فعال در مبارزات ایدئولوژیک و در طرح و بحث مسائل نظری جنبش، انجام میدهند، باید - بعنوان وظائف مارکسیستی خود - با تمام وسائل و امکانات به پشتیبانی و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران برخاسته و به سهم خود در دفاع از دستاوردهای آن - که دستاوردهای کل جنبش کمونیستی ایران است - و در حفظ و تعمیق این دستاوردها بکوشند و این بویژه در شرائط کنونی که سازمان بیش از هر زمان آماج یورش همه جانبه رژیم دست نشانده شاه است، در شرائطی که عده ای بخاطر جریحه دار شدن تمایلات و احساسات خرد بورژوازی خود و یا در معرض مخاطره دیدن منافع گروهی خویش مستقیم و غیرمستقیم در تلاش تضعیف آنند، در شرائطی که پارامای از عناصر عقب مانده مذهبی بجای وفاداری به سنن انقلابی اسلام و تکیه بر روی زمینهای مشترک مبارزه انقلابی، کینه توزی علیه سازمان مجاهدین خلق را هدف خویش ساخته اند، اهمیت خاصی می یابد و نادیده گرفتن آن بمثنایه نادیده گرفتن وظائف مارکسیستی و نادیده گرفتن مسئولیت عاجلیست که امروز در برابر ما قرار دارد.

گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"

فروردین ۱۹۷۶ - بهمن ماه ۱۳۵۴

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

مندرج در فصل پانزدهم بخش: (جنبش چریکی و تأثیرات مخربش در کنفدراسیون جهانی)

یک پیروزی بزرگ جنبش مارکسیستی-لنینیستی ایران

تحولات نویدبخشی جنبش مارکسیستی ایران را فراگرفته و افق‌های گسترده و تابناکی در برابر آن گشوده است. "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران" بمثابة نتیجه و انعکاس این تحول و پیروزی بزرگ مارکسیسم-لنینیسم در صحنه پیکار انقلابی میهن ما، پیام آور این افق روشن است. دگرگونی عمیق در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق رویداد تاریخی مهمی است که با تأثیرات تعیین کننده خود بر مجموع جنبش کمونیستی و انقلابی ایران، راه های اعتلا و تکامل آتی آنرا روشنی می‌بخشد. پیروزی سازمان مجاهدین خلق ایران در یافتن ریشه‌های اساسی نارسائی‌ها، در شناخت منشأ ایدئولوژیک ضعف‌ها، درطرد معیارهای کهنه و در درک ضرورت‌های نوین تاریخی و سیاسی که بر اساس تجربه و پراتیک ده سال مبارزه انقلابی، چهار سال مبارزه مسلحانه و دو سال مبارزه پیروزمند ایدئولوژیک و در دشوارترین شرایط داخلی و خارجی و در جریان پر شورترین پیکارهای انقلابی بدست آمده است، نه تنها پیروزی سازمان و رزمندگان آگاه، مصمم و وفادار آن، بلکه همچنین یک پیروزی بزرگ مارکسیسم-لنینیسم، یک پیروزی خلق زحمتکش ما و ضربه سهمگینی است بر پیکر مزدور شاه. این پیروزی بزرگ که قلوب همه مارکسیست-لنینیست‌های واقعی و انقلابیون راستین را گرمی می‌بخشد، نیروی محرکه قدرت‌مندی است در تسریع حرکت و تحول آتی و انسدادناپذیر جنبش انقلابی خلق ما و ایجاد امکانات عملی و تضمین های واقعی پیشروی ظفرمند آن.

رخداد تاریخی پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در شرائطی به وقوع می‌پیوندد که یک کارزار وسیع جعل و تحریف و سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک، یورش سبانه پلیسی و سرکوب فاشیستی رژیم شاه را همراهی می‌کند. در سال‌های اخیر، به موازات رشد جنبش نقلابی و نفوذ روزافزون اندیشه‌های مترقی و پیدایش و شکل‌گیری گروه‌ها و تشکلهای متعدد مارکسیستی و انقلابی در ایران، امپریالیسم جهانی، ارتجاع بومی و بورژوازی وابسته ایران به نمایندگی دارودسته مزدور محمد رضا شاه که به حربه دیرینه تبه‌کاری‌های ضد انقلابی و برنامه‌ها و تدابیر گوناگون ضد کمونیستی نه تنها در ایران، بلکه همچنین در سایر نقاط جهان را توشه دارند. علاوه بر اعمال شدیدترین ترور فاشیستی، از طریق سازمان‌دادن یک کارزار پرمایه ضد کمونیستی و گسترش بی‌سابقه سرکوب سیاسی-ایدئولوژیک نیز به مقابله با اندیشه‌های انقلابی رشدیابنده، به مقابله با مارکسیسم-لنینیسم دست زده و با استفاده از کلیه جریان‌های ضد مارکسیستی، از ترسکیسم و انحرافات گوناگون آنتی‌کمونیسم مشابه تا "مارکسیسم" جیره خواران تلویزیونی، به این بسیج ضد انقلابی در زمینه ایدئولوژیک، ابعاد گسترده‌ای بخشیده‌اند. و بالاخره این تحول در شرائطی انجام می‌گیرد که تشبثات و تبلیغات ضد انقلابی رویزونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی و عوامل ایرانی آن، دارودسته خائن "کمیته مرکزی حزب توده" علیه مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون اوج افسار گسیخته‌ای یافته و به نحو دیوانه واری دامن زده می‌شود. پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی-لنینیستی میهن ما در چنین شرائطی به این رخداد تاریخی ویژگی و برجستگی خاصی می‌بخشد و در عین آشکار ساختن ناکامی تلاش‌های گوناگون و تعرضات ایدئولوژیک نیروهای ارتجاعی، نشانه عمق این تحول بزرگ، نشانه دست‌یابی آگاهانه و مستحکم سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم-لنینیسم بمثابة یگانه تئوری صحیح انقلابی و تنها وسیله رهائی قطعی پرولتاریا و زحمتکشان است.

تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران به غلبه بر پندارگرایی‌های ایدئالستی، به دگرگونی مبانی فلسفی و اعتقادات ایدئولوژیک آن و قبول احکام عام مارکسیسم-لنینیسم خلاصه نمی‌گردد و دامنه‌ی آن تا زمینه‌های مختلف سیاست، برنامه و مشی سازمان گسترش می‌یابد. سمت‌گیری صحیح در پاره ای مسائل مهم تئوری و پراتیک جنبش مارکسیستی و انقلابی ایران، رسیدن به یک سلسله استنتاجات مهم عملی و اتخاذ مواضع عمیق و روشن در قبال رویزونیسم جهانی بمثابة یک جریان عمده ضد انقلاب جلوه‌های دیگر این تحول و پیروزیست. دگرگونی در جهان بینی، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق به سبب عمق و ابعاد بزرگ آن و از آنجا که به یک پیروزی مارکسیسم-لنینیسم در یکی از میدان‌های مهم مبارزه ایدئولوژیک محدود نمی‌گردد، بلکه در این حقیقت تجلی می‌یابد که این پیروزی در آتش پیکارهای انقلابی و در بوته آزمایش و پراتیک بدست آمده و صیقل یافته است، لاجرم در کنار ایجاد تغییرات عمیق در تناسب قوای موجود در جنبش انقلابی میهن ما و در صحنه مبارزه

طبقاتی در ایران، بر سمت‌گیری، پراتیک و مشی جنبش عمیقاً تأثیر می‌بخشد و بطور موثری به ایجاد درکی درست از مطالبات و نیازهای واقعی جنبش یاری می‌رساند.

سمت‌گیری صحیح سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت پیوند سیاسی-تشکیلاتی با زحمتکشان و جنبش خود بخودی طبقه کارگر، درک روشن ضرورت این سمت‌گیری، تلاش در شناخت و کشف قانون‌مندی‌های آن، در یافتن راه‌های عملی مشخص، در سازماندهی و فراهم آوردن وسائل موثر انجام این وظیفه مبرم و تخطی‌ناپذیر، یکی از تظاهرات مهم این تحول و از نتایج درخشانی است که سازمان مجاهدین خلق براساس ارزیابی مبارزات سال‌های اخیر، به ویژه مبارزات مسلحانه سازمان‌های انقلابی و به انکاء تجارب، دستاوردها و کمبودهای اساسی این مبارزات بدان نائل آمده است. آمادگی و انعطاف انقلابی سازمان در انتقاد اصولی از ضعف‌ها، نارسائی‌ها و خطاها، در پذیرش صادقانه ضرورت‌های مبارزه، در گردن‌نهادن به "حقایق ناشی از درک عمیق تر منافع توده‌ها و لزوم سمت‌گیری مشخص به سمت زحمتکش‌ترین اقشار و طبقات اجتماع" (نقل از "بیانیه...") که نمونه برجسته حرکت صمیمانه از منافع والای خلق و قدرت و کیفیت سازمان در تحلیل درست واقعیت‌ها و آموزش خلاق از تجربه و پراتیک انقلابیست، امکان داد که سازمان بتواند بجای بی‌اعتنائی به واقعیت‌ها و تجارب مبارزه، بجای زنجیرشدن در حصار پراتیک محدود و اندیشه‌های التقاطی و نارسا، با خلاقیت و روشن بینی راه آینده خویش را روشن سازد و به موازات رشد مبارزه و تکامل سازمان گام‌های بزرگی در راه غلبه بر نواقصی که بطور عمده محصول ضعف جنبش نوین انقلابی، نارسائی‌های تئوریک و تجربه محدود و عملی آن و انعکاس مراحل کودکی سازمان، شرائط شکل‌گیری، ترکیب و کاراکتر طبقه‌ای عناصر تشکیل‌دهنده آن بود بردارد و به درک وسیع‌تر و عمیق‌تری از وظایف جنبش و سازمان از مبارزه مسلحانه و از پیوند با زحمتکشان نائل آید: "استنباطات امروزه مبارزه مسلحانه مسلمانان نمی‌تواندو نباید درست بر همان استنباطات محدود چهار یا پنج سال پیش، وقتی که اولین برخوردهای مسلحانه بین نیروهای پیشتاز خلق و دشمن بوجود آمد، منطبق باشد. این استنباطات اکنون باید بسیار پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر و ناظر بر ابعاد جدیدتری از پیشرفت همه جانبه کار باشد. این موضوع مصداق بارزی در سازمان ما دارد. ما در طی این دوران ابعاد جدیدتر و معنای بسیار وسیع‌تری از مبارزه مسلحانه را درک کردیم که برخورد با دشمن تنها یک بعد آنرا نشان می‌داد." (نقل از "بیانیه... صفحه ۲۸). این حرکت رشد یابنده، استنباطات پیشرفته و درک وسیع از مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد عینی، بر جمع بندی از دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی است سازمان را بسوی استنتاج واقع بینانه از گذشته و شناخت درست وظائف کنونی رهنمون می‌سازد:

"بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که جنبش مسلحانه پیشتاز بلافاصله در اولین گام‌هایش به آنی‌ترین و ملموس‌ترین گرایشات روشنفکران (هدف‌های دمکراتیک مبارزه مسلحانه پیشتاز) و منافع و نظرات سیاسی جناح چپ خرده بورژوازی سنتی (شکل قهرآمیز مبارزه علیه رژیم حاکم) نزدیک می‌شود. و متقابلاً این دو قشر نیز حمایت و وابستگی فعال خود را به جنبش مسلحانه اعلام داشته و به اولین ذخائر تغذیه جنبش تبدیل می‌شوند."

"اما مسلمانان هدف‌های جنبش مسلحانه پیشتاز به جلب و پشتیبانی و همکاری این اقشار که بخش بسیار کوچکی از نیروهای خلق را تشکیل می‌دهند، خاتمه نمی‌یابد. مخصوصاً که حمایت و همکاری این نیروها و ارتباطشان با جنبش مسلحانه بنا به دلائلی که به ماهیت متزلزل طبقه‌ای آنها و به استنباطات غیر پرولتاری آنها از مبارزه مسلحانه برمی‌گردد، همواره مشروط و ضربه پذیر است. در واقع غیر از آن عناصر بسیار معدودی از این قبیل روشنفکران (و عناصر بسیار بسیار معدودتری از عناصر خرده بورژوازی) که می‌توانند بندهای طبقه‌ای را پاره کرده و به تمامه در هدف‌های اساساً سوسیالیستی جنبش مسلحانه حل شوند، بقیه آنها که اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دهند، تنها در حدود در خواست‌های دمکراتیک و یا منافع محدود طبقه‌ای خویش پیش خواهند آمد (و لاجرم فشارهای مبارزه انقلابی را نه تا حد یک مبارزه پرولتاری، بلکه تا حد همین درخواست‌ها و منافع تحمل خواهند کرد). بدین ترتیب، به مرور و با افزایش و تشدید قهر ضد انقلابی دشمن، یا این نیروها صفوف جنبش را ترک خواهند کرد و یا آنرا وادار به ورود در بن پستی از تمایلات محدود و انحرافی خود خواهند نمود.

نتیجه آنکه: سازمان‌های مسلح پیشتاز (یا سازمان جنبش) باید اساسی‌ترین تکیه‌گاه‌هایش را نه بر احساسات جریحه‌دار شده روشنفکران از دیکتاتوری موجود، نه بر عصیان خشم‌آلود خرده بورژوازی چپ در مقابل هجوم نابود کننده بورژوازی حاکم، بلکه باید بر دوش توده تحت ستم و طبقات زحمتکش قرار دهد که رژیم هیچ‌گونه امکانی برای سازش با آنها - و جدا کردنشان از جنبش انقلابی - ندارد. این طبقات با آنکه از آگاهی بسیار کمتری نسبت به طبقات متوسط برخوردارند، اما به مجرد آنکه تئوری انقلابی به میان آنها رسوخ کند و بمحض اینکه منافع اساسی خویش را در هدف‌های سیاسی جنبش انقلابی درک نمایند، تبدیل

به چنان دژهای عظیم تسخیر ناشدنی از نیروهای انقلابی خواهند شد، که پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهند ساخت." (نقل از "بیانیه..." صفحه ۳۲/۳۳).

این نتیجه‌گیری عمیق از حرکت جنبش نوین انقلابی و از وظائف جنبش مارکسیستی-لنینیستی و به ویژه سازمان‌های مسلح آن و این ارزیابی از ضرورت پیوند سیاسی و تشکیلاتی با زحمتکشان و روی آوردن آگاهانه و استوار بسوی جنبش خودبخودی طبقه کارگر و مبارزه خلل‌ناپذیر و غیر قابل شکست پرولتاریا، به ویژه در لحظات کنونی، در شرایط رشد مبارزات و اعتصابات کارگری، در شرایط بیداری روزافزون توده‌های کارگر، بیش از پیش اهمیت می‌یابد. در چنین شرایطی وجود سازمان‌های آگاه و مبارزان مصمم و ثابت‌قدمی که با درک ضرورت تلفیق مارکسیسم با جنبش کارگری، با درک ضرورت مبرم پیوند عناصر آگاه با مبارزه طبقه کارگر، با سلاح تئوری انقلابی و با پرچم مارکسیسم-لنینیسم بسوی کارگران و بسوی مبارزات خودبخودی طبقه کارگر گام بر می‌دارند، امکانات و دورنمای گسترده‌ای را در برابر جنبش انقلابی و مارکسیستی میهن ما می‌گشاید. بدین ترتیب، جنبش نوین کمونیستی و انقلابی ایران می‌تواند با گام‌های بلندی از حصار مستحکمی که از یکسو سیستم گسترش یافته پلیسی و از سوی دیگر ضعف جنبش میان عناصر پیشرو و توده‌های زحمتکش ایجاد کرده بود، عبور کند و علی‌رغم شرایط دشوار مبارزه سیاسی و محدودیت امکانات ارتباط توده‌ها و سازماندهی پرولتاریا، به تدریج راهپیمایی بزرگ خود را آغاز نماید. بدون تردید، هر گامی در این راه، در عین حال گامیست در راه طرد انحرفات، در راه زدودن تاثیرات ایدئولوژی‌های غیر پرولتری و در راه تحکیم و اعتلای جنبش: "استحکام ایدئولوژیکی هسته‌های رزمنده روشنفکری، تصحیح مواضع و استنتاجات ناصحیح و غلبه بر انحرفات، ضعف‌ها و ناتوانی‌ها تنها می‌تواند طی شرکت طولانی در پراتیک مستقیم پرولتاریا و خلق و در جریان پیوند استوار سازمانی و سیاسی با نیروها و موافقین اصلی انقلاب تحقق یابد." (مسائل انقلاب و سوسیالیسم-ارگان گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"- شماره ۱).

یکی دیگر از دستاوردهای عمده سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان مبارزه ایدئولوژیک و تحول اخیر، مرزبندی روشن و قاطع با رویزیونیسم جهانی بمثابة یک جریان ضد انقلابیست، مرزبندی عمیقی که به بیان تئوریک مشخصات رویزیونیسم معاصر محدود نبوده، بلکه به بررسی "منشاء اجتماعی و تاریخی"، "پروژه پیدایش و رشد"، "پایگاه اجتماعی" و نتایج عملی آن هم بطور عام و هم بطور مشخص، در ارتباط با رویزیونیسم خروشچفی و سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی، و سیاست و مشی "سازشکارانه، تسلیم طلبانه و کودتاگرانه" نمایندگان و مبلغین ایرانی آن یعنی دارودسته خائنین کمیته مرکزی حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما، بسط می‌یابد.

این واقعیت که امروز در میدان نبرد انقلابی میهن ما، از درون جنبش نوین کمونیستی ایران، باردیگر رزمندگانی برمی‌خیزند که روستر از همیشه در برابر رویزیونیسم وطنی و جهانی، در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی قد علم می‌کنند، نه تنها نشان‌دهنده درستی این حکم دایهانه لنینی است که مبارزه علیه امپریالیسم، بدون مبارزه علیه ایورتونیسم، بدون مبارزه علیه رویزیونیسم سخن پوچی بیش نیست، بلکه همچنین مبین این حقیقت است که هر قدم واقعی و رشد یابنده‌ای که جنبش کمونیستی ما به پیش برمی‌دارد، نمی‌تواند با مرزبندی صریح و مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم در صحنه جهانی و در عرصه ملی همراه نباشد. در واقع، برای مارکسیست-لنینیست‌های واقعی مبارزه علیه رویزیونیسم یک موضع‌گیری ساده نبوده، بلکه یک ضرورت حیاتی جنبش را تشکیل می‌دهد. در شرایط تعرض ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی، هیچ جنبش انقلابی نمی‌تواند بدون حفظ هشیاری انقلابی، بدون شناخت هدف‌ها و مقاصد واقعی این جبهه ضد انقلاب پایداری، خلل‌ناپذیری و استحکام انقلابی خود را تضمین کند. هیچ جنبش مارکسیستی نمی‌تواند بقاء و دوام خود را تضمین نماید مگر اینکه در پروژه آموزش و عمل انقلابی، در جریان مبارزه طبقاتی، همواره و بطور وقفه‌ناپذیری گرایش‌های التقاطی و انحرافی غیر مارکسیستی و ضد مارکسیستی و قبل از همه رویزیونیسم را از کلیه صحنه‌های حیات و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و عملی خود بزداید و خود را از گزند دست‌برد و تعرض آن مصون نگاه دارد. این ضرورت به ویژه از اینجا ناشی می‌شود که رویزیونیسم جهانی به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی به سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان بمناطق نفوذ اکتفاء نکرده، بلکه تلاش دارد بطرق مختلف و به ویژه از طریق سیاسی و ایدئولوژیک بدرون جنبش‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های انقلابی جهان رخته کرده و با بهره برداری از نارسائی‌ها، ضعف‌ها و مشکلات مرحله این جنبش‌ها، آنها را از نظر سیاسی، ایدئولوژیک منحرف ساخته، تحت نفوذ و سیطره خود در آورده و حتی وجه‌المعامله سازش با سایر قدرت‌های امپریالیستی قرار دهد. لذا در چنین شرایطی، انقلابیون راستین و مارکسیست-لنینیست‌های واقعی نمی‌توانند به

مقابله جدی و پایدار در برابر این خطر عظیمی که همواره جنبش را تهدید می‌کند برنخیزند و هرگونه کم‌بها دادن به این خطر حتی اگر با سخت‌ترین، خشن‌ترین و پرشورترین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم همراه باشد، در تحلیل نهائی به منزله بازگذارن دری یا درهائی است برای رخنه و نفوذ رویزیونیسم، برای هجوم ضد انقلاب، برای درغلتیدن جنبش انقلابی به ورطه سازش و ارتداد.

بر این اساس، هشیاری و مواضع روشن و قاطع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر رویزیونیسم و تحلی از این پدیده "بمثابه انحرافی...به سمت تفکر و منافع سرمایه داری" و سرانجام تئوری‌های تسلیم طلبانه رویزیونیست‌های شوروی و تبلور آن "در بازگشت به نوعی از مناسبات سرمایه داری در داخل جامعه شوروی" و "در اتخاذ نوعی سیاست امپریالیستی" و بالاخره این آگاهی عمیق و ارزیابی روشن که "رویزیونیست‌ها بدترین دشمنان توده‌ها هستند، چرا که خود را در لباس دوست می‌آرایند"، تضمینی واقعی در برابر رخنه و نفوذ این خطر و در تحکیم مبانی ایدئولوژیک سازمان است.

بدون تردید، تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران و دستاوردهای آن برانگیزنده شور و شوق عمیق در میان کلیه مارکسیست-لنینیست‌های واقعی و مبارزات آگاه میهن ماست. اما شک نیست که وظیفه و تعهد مارکسیست - لنینیست‌ها در قبال این تحول بزرگ نمی‌تواند تنها به بیان هیجان و اشتیاق انقلابی آنان، به تهنیت و ستایش این دگرگونی و یا حتی پیش از آن به شمارش دستاوردها و نشان دادن اهمیت تاریخی واقعی این رخداد محدود گردد. در اینصورت چنین تجلیل و ستایشی، چنین شوروشوقی چیزی جز عبارت پردازی‌های انقلابی و بیان ارضاء احساسات آنی و گذرا نخواهد بود. این شور و هیجان باید نه در تظاهر و بیان ساده آن بلکه در میدان مبارزه و در پراتیک انقلابی تجلی یابد. بررسی تحول سازمان مجاهدین خلق باید به منظور آموزش عمیق از آن، به منظور روشن ساختن وظائف و تسریع حرکتی انجام گیرد که سازمان مجاهدین خلق با مبارزه ای پرشور و با انرژی انقلابی خستگی ناپذیری، مصممانه در راه آن گام نهاده است. همراهی سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیستی و انقلابی درون کشور با حرکت سازمان مجاهدین خلق و پاسخ مثبت آنان به دعوت و راه گشائی آن، گام بزرگی در راه سمت‌گیری صحیح جنبش، درراه بسط همه جانبه مبارزه، درره رشد مبارزه ایدئولوژیک فعال، درراه تجمع گردان‌های پراکنده انقلاب و پاسخ به نیازهای جنبش و به مطالبات واقعی مبارزه است.

طرح "جبهه واحد توده‌ای" از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، به مثابه یک امکان تمرکز نیروهای پراکنده جنبش، در شرائطی که تمرکز بیش از پیش نیروهای دشمن و قدرت متشکل وی، هم‌آهنگی نیروهای انقلابی، غلبه بر خرده‌کاری و پراکندگی سازمانی را هر چه بیشتر ضروری می‌سازد، در شرائطی که همه نیروهای مارکسیستی و انقلابی ایران از لزوم جمع و متمرکز ساختن نیروهای پراکنده جنبش سخن می‌رانند ولی تصور روشنی از چگونگی و آغاز آن ندارند و یا با ارائه نقطه نظرهای نادرست، با مطلق کردن این یا آن جنبه و با گرایشات سکتاریستی بجای چاره اندیشی‌های موثر، عملاً براهمات و سردرگمی‌ها می‌افزایند، می‌تواند به عنوان یک راه‌یابی مشخص پایه بحث مارکسیست-لنینیست‌ها و نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد و در روند کوشش مشترک و به موازات برداشتن گام‌های عملی که بی‌شک باید با مبارزه ایدئولوژیک سالم و خلاق همراه باشد، مشخص و دقیق تر گردد.

مارکسیست-لنینیست‌های ایرانی در خارج از کشور که بخاطر دوری از صحنه اصلی پیکار انقلابی و داشتن نقش ثانوی در مجموع مبارزه خلق، وظائف مارکسیستی خود را بطور عمده از طریق کمک همه جانبه به جنبش مارکسیستی درون کشور و خدمت در راه نیازمندی‌های آن و ترویج مارکسیسم و شرکت فعال در مبارزات ایدئولوژیک و در طرح و بحث مسائل نظری جنبش، انجام می‌دهند، باید - به عنوان وظائف مارکسیستی خود - با تمام وسائل و امکانات به پشتیبانی و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران برخاسته و به سهم خود در دفاع از دستاوردهای آن - که دستاورد کل جنبش کمونیستی ایران است - و در حفظ و تعمیق این دستاوردها بکوشند و این به ویژه در شرائط کنونی که سازمان بیش از هر زمان آماج یورش همه جانبه رژیم دست‌نشانده شاه است، در شرائطی که عده ای بخاطر جریحه دارشدن تمایلات و احساسات خرده بورژوائی خود و یا در معرض مخاطره دیدن منافع گروهی خویش مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تضعیف آنند، در شرائطی که پاره‌ای از عناصر عقب مانده مذهبی بجای وفاداری به سنن انقلابی اسلام و تکیه بر روی زمینه‌های مشترک مبارزه انقلابی، کینه توزی علیه سازمان مجاهدین خلق را هدف خویش ساخته اند، اهمیت خاصی می‌یابد و نادیده گرفتن آن بمثابه نادیده گرفتن وظائف مارکسیستی و نادیده گرفتن مسئولیت عاجلیست که امروز در برابر ما قرار دارد.

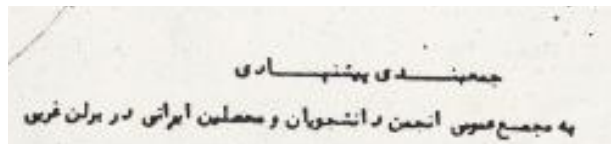
گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"

فوریه ۱۹۷۶ - بهمن ماه ۱۳۵۴

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

مندرج در فصل پانزدهم بخش: (جنبش چریکی و تأثیرات مخربش در کنفدراسیون جهانی)

جمع‌بندی پیشنهادی به مجمع عمومی انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در برلن غربی



انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در برلن غربی در جریان بحث‌های چندین جلسه‌ای داخلی خود در ماه‌های گذشته، بحث‌هایی که بر محور سائل فعلی جنبش دانشجویی ایرانی در خارج از کشور و به‌ویژه بر محور ساله وحدت در می‌گذشت، به نتایج زیر رسید:

۱- حل درست سائل فعلی جنبش دانشجویی خارج از کشور می‌تواند تنها بر پایه درکی درست از ماهیت جنبش دیکراتیک ملی ایران انجام بگیرد. یکی از عده‌ترین واقعیاتی که در این رابطه باید مد نظر قرار بگیرد و رهنمود حل ساله وحدت جنبش دانشجویی بگردد، این است که جنبش دیکراتیک ملی ایران بطور عینی در برگرفته طبقات، قشرها و گروه‌های خلقی مختلفی است که طیف‌م‌تضادها و اختلافات طبقاتی و راس موجود بین آنها، بطور عینی دارای هدف‌های مشترک مرحله‌ای هستند. هدف این جنبش‌م‌طوره عده در شعارهای: سرنگونی رژیم فاشیستی و دست‌نشانده شاه، قطع سلطه امپریالیسم، به‌ویژه امپریالیسم امریکا، ایجاد یک حکومت دیکراتیک خلقی و غیره منعکس می‌شوند. جنبش دیکراتیک ملی ایران در عین حال روز بروز بیشتر به این واقعیت آگاه می‌شود که رسیدن به هدف‌های جنبش‌م‌جز از طریق اعمال قهر انقلابی - به‌شابه عده‌ترین وسیله مبارزه - ممکن نیست. به‌یمنی است که عناصر طبقاتی شرکت‌کننده در این جنبش، با حرکت از ضایع طبقاتی و قشری مختلف خود، از نقطه نظرهای متفاوت به ماهیت هدف‌های مشترک جنبش، وسایل مبارزاتی آن و عقب و پیشروی آن می‌نگرند و برخورداری آنها از مراتب ریزندگی، پیگیری و نه‌تنها یکسان نیست. رابطه بین عناصر طبقاتی گوناگون جنبش‌م‌ استمرار روند وحدت - مبارزه - وحدت، تا به‌روزی نهایی جنبش‌م‌معین میکند. روند وحدت - مبارزه - وحدت در رابطه با جریان تغییراتی است که در سطح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و راسی در داخل جامعه ایران و محیط تاریخی آن صورت می‌گیرد. مبارزه و وحدت نیروهای خلقی فقط در این رابطه اصل و قابل فهم است. در نتیجه این تغییرات است که تناسب طبقاتی - سیاسی نیروهای خلقی در جارجیه جنبش دیکراتیک ملی تغییر می‌کند. در حال حاضر همراه با رشد روزافزون طبقه کارگر در ایران، قدرت عینی تعیین‌کنندگی آن در رهبری جنبش دیکراتیک ملی نیز افزایش می‌یابد. به‌یمنی است که تعلق ملی این تعیین‌کنندگی تنها منوط به فراهم بودن شرایط عینی آن نیست، بلکه تابعی از ناپندگی درست منافع این طبقه در جارجیه جنبش دیکراتیک ملی نیز می‌باشد. آرمان تشکیلاتی جنبش دیکراتیک ملی، ایجاد جبهه متحد خلقی، به منزله سازمان واحد تمام نیروهای خلقی در سطح عام و تشکیلات سازمان‌های دیکراتیک متحد جنس در سطح جزئی اجتماع است. یکی از معیارهای اصلی تشخیص درجه زیدعلاق و ریزندگی عناصر و گروه‌های داخل در جنبش، درجه کوشش آنها برای تحقق وحدت تشکیلاتی جنبش‌م‌در تمام سطح است. بر واضح است که ما من اصلی تعلق نهایی این هدف تشکیلاتی، رهبری جنبش دیکراتیک توسط طبقه کارگر و سازمان طبقاتی آن است.

۲- جنبش دانشجویی خارج از کشور به‌شابه جزئی از جنبش دیکراتیک ملی ایران با یمنی خود را، چه از نقطه نظر هدف‌ها،

شعارها، وسایل مبارزاتی و سازمانی وجه از نقطه نظر ترکیب نیروها، با توجه به امکانات خارج، تابع گنجینه است و بر این اساس عمل کند. هرچه این تبعیت نزد یکر، عملی تر، مستقیم تر و عمیق تر باشد، جنبش دگرانیک دانشجوی خارج از کشور به قبول و ایفای نقش تاریخی خود نزدیکتر می شود. پذیرفتن عملی و کامل ماهیت جنبش دگرانیک ملی، شعارها و هدفهای آن و قبول این واقعیت که رهبری جنبش دگرانیک ملی از داخل صورت می گیرد، تنها فاکتور اجتناب جنبش دانشجویی از انحرافات و کمرویها است. یکی از مشخصترین نشانه های قبول این تبعیت، پذیرفتن عملی جنبش بودن جنبش دانشجویی و تشکیلات آن در خارج و دوری گرفتن عناصر سازنده آن از ایجاد سازمانهای در اصل دانشجویی می معنوی و پرمعنائی است که از خارج به آنها، مختلف دعوی رهبری و یا شرکت در رهبری جنبش داخلی را می کند. با در نظر گرفتن تنوع طبقاتی نیروهای خلقی در مرحله فعلی جنبش دگرانیک ملی ایران، بدیهی است که در جنبش دانشجویی خارج از کشور هم عناصر بهمانگر نقطه نظرهای طبقاتی متفاوت شرکت می کنند. وحدت سازمانی تمام این عناصر خلقی در یک تشکیلات واحد دانشجویی در خارج از کشور هدف نهایی تشکیلاتی این جنبش است. هرچه مبارزان خارج از کشور در جهت تصمیم اصولی این وحدت کوشانه باشند، به انجام وظیفه مبارزاتی خود نزدیکتر خواهند بود. بدیهی است که وحدت جنبش دگرانیک دانشجویی خارج از کشور تنها بر مبنای قبول تبعیت و رهبری کامل از جنبش در داخل عمومی که ذکر شد، قابل تحقق است.

- ۳ - با در نظر گرفتن آنچه گفته شد انجمن دانشجویی ایرانی در برلن غرض در باره ساله وحدت جنبش دانشجویی در خارج از کشور ارزیابی زیر را می کند:
- الف - هدف نهایی هر یک از سازمانهای کنونی دانشجویی خارج از کشور باید تحقق وحدت مجدد تمام نیروهای دگرانیک و ملی دانشجویی در خارج از کشور بر مبنای تبعیت کامل از هدفها و شعارها و نیازهای جنبش در داخل باشد.
- ب - انجمن ما با در نظر گرفتن انحرافات پیش از حدی که در این زمینه در شش بعضی از سازمانهای فعلی مشاهده می کند، در حال حاضر قائل به وجود هیچگونه امکان وحدت با آنها نیست.
- ج - انجمن ما با ارزیابی از نیروها و سازمانهای فعلی در جهت منفرد کردن شش های راست از یکطرف و وحدت با شش ها و سازمانهای که در انطباق با ویژگی های جنبش دگرانیک ملی عمل می نمایند، مبارزه می کند.
- د - بررسی انجمن ما از نیروها و سازمانهای فعلی جنبش دانشجویی خارج از کشور این تصویر را بدست می دهد (بخش شش عدد خلقی و هدف انقلابی کشته مرکزی و واحد بودن موضع انجمن ما نسبت به این گروه در این ارزیابی از بررسی سند در آن خود داری می کند).

الف - خطر راست. طایفه تمایلات محسوس و عاطفی توده وسیع دانشجویان این جناح به شرقی ترین ایدئولوژی ها و علاقه صادرات آنها به جنبش دگرانیک ملی، خطر راست بخاطر گرفتاری در دام ذهنیگریها و انحرافات رهبری آن، از جنبش دگرانیک و ملی ایران فاصله های زیادی گرفته است. ذهنیگریها و انحرافات رهبران این طایفه بطور عمده به اشکال زیر تظاهر می یابد:

دروغ خلق از ماهیت جنبش دگرانیک ملی و در نظری و عملی شعار عده آن، یعنی شعار سرنگونی رژیم فاشیست شاه.

- ۳ -

نداشتن درك درست از امكانات و وظائف مبارزه در خارج از كشور كه به ايجاد و حفظ گروههای سیاسی ای در خارج منجر شده است كه با آنها "مختلف خود را شريك در رهبری جنبش رهائی بخش و طبقاتی شمرده و از ابتراء بخش معنائی بهیچ از مبارزان خارج را به گمراهی می كشانند . یکی دیگر از نتایج این تعصب بی معنوی تن سازمانهای داخل جنبش و مبارزات آنها می باشد . نداشتن تصورات درست از واقعیات اقتصادی و سیاسی ایران و تمایل شدید به الگو سازی در این زمینه ، كوشش در دادن جهت غلط به مبارزات ضد امپریالیسم جنبش از طریق عدم توجه به حده بودن امپریالیسم امریکا در ایران و در منطقه و عدم آمادگی به انتقاد از نظرات نادرست نسبت به ماهیت رژیم شاه . با در نظر گرفتن این انحرافات و زنده نگرفتنها بدیهی است كه در حال حاضر حل مساله وحدت با این جناح تنها از طریق كوشش در جهت منفرد کردن رهبری آن ، طرد نظریات آنها و جذب توده های مبارزان به داخل جنبش دكراتیك ملی انجام می گیرد .

ب - مانه روان تا حد زیادی دارای همان انحرافات خط راست اند . قبول شعار سرنگونی از طرف آنها دارای هیچگونه انعكاسی نموده ، بلكه بازتابی از بهیشتها و روشهای فرصت طلبی آنهاست . حل مساله وحدت با این جناح نظیر حل این مشكل با خط راست است .

ج - گروهها و عناصری كه تحت عنوان كفدراسیون فعالیت می كنند ، در این جناح در مجموع طیف متنوعی از عناصر ذهنی طبقات و قشرهای خلقی مختلف دیده می شود . این واقعیت یكی از موارد انطباقی بیشتر این جناح با خصوصیات جنبش دكراتیك ملی در داخل را تشكيل می دهد . آمادگی اكثریت عناصر شركت كننده در این جناح به پیروی از هدفها و شعارها و نیازهای جنبش در داخل ، به امكانات این جناح به تبعیت از جنبش می افزاید . این بدان معنا نیست كه در این جناح اثری از انحرافات مختلف وجود نداشته باشد . این انحرافات بطور مثال در گروهگرایی و سكاریزم حاكم در تفكر و روش اكثریت عناصر رهبری آن ظاهر می كنند . این واقعیت در فرصت های مختلف در تصمیمات رهبری این جناح تاثیر مطلق پیدا کرده است . مثال بارز ، نحوه تصمیمی بوده است كه این رهبری در رابطه با پیرویه انشعاب جناحهای كفدراسیون اتخاذ نموده است . صرف نظر از بحث اجتناب پذیر بودن یا ناپذیر بودن انشعاب در كفدراسیون این واقعیت باقی میماند كه رهبری این جناح بخاطر عدم شناخت از خط راست ، در این رابطه از گروهگرایی حرکت کرده و نتیجه كوشش برای جلب توده های منحرف شده توسط رهبران خط راست نموده است . نتیجه اینگونه برخورد آن است كه انشعاب به سه تصمیم خط راست نمانجامیده است . هنوز هم كه بكمال از انشعاب میگذرد ، رهبری این جناح كوشش برای سازش علیه خط راست و برای جلب توده های آن نكرده ، بلكه با توسل به رد هرگونه تماس با این توده ها و با حرکت از گروهگرایی ، سكاریزم و راحت طلبی خود راههای نژد یکی با دیگر دانشجویان و اقاع و جلب توده های تحت نفوذ خط راست را بهیچ از پیشرفته است . این سكاریزم در روابط خارجی این جناح هم ضرورتا و علا انعكاس یافته و به دفاع آن از جنبش های رهائی بخش منطقه می زند . اینگونه رفتار نه تنها برای این جناح ، بلكه برای جنبش داخل هم كه توده های این جناح خواهان پشتیبانی از آن هستند ، زیان بخش است . معذرا آنچه امكان وحدت با این جناح را نمی نس كند ، همان نژد یکی بیشتر اكثریت عناصر سازنده آن به پیروی از شعارها ، هدفها و نیازهای جنبش در داخل می باشد . پیرویه وحدت با این جناح باید در خدمت مبارزه علیه جنبه های مطلق موجود در آن و تقویت جنبه های مثبت آن قرار گیرد .

- ۴ -

• در داخل انجمن ما نسبت به مطالبی که در فوق ذکر شد و نسبت به نتیجه گیریهای تشکیلاتی ناشی از این نظریات، اتفاق نظر وجود ندارد. این عدم توافق که بخصوص بعد از کنگره شانزدهم تلمر خود را در جنبش دانشجویی نشان داده است، ناشی از اختلافاتی است که از قبل در سطح سیاسی وجود داشته است. در حال حاضر این اختلاف در انجمن با بصورت جمعیتی های مختلفی که در زمینه مسائل فوق به سازمان ارائه داده می شود، تظاهر می یابد.

پس از آنکه گفته شد، انجمن دانشجویان ایرانی تصمیم می گیرد که در حین ادامه مبارزات دگرگونی خود (دفاع از جنبش نوجوان انقلابی و سازمانهای پیشرو آن، دفاع از مبارزات مسلحانه در ایران، افشا، همه جانبه رژیم فاشیستی شاه، مبارزه علیه امپریالیسم و به ویژه علیه امپریالیسم آمریکا، دفاع از جنبشهای رهایی بخش، بخصوص در منطقه) بخش وسیعی از فعالیتهای خود را در جهت ایجاد وحدت و احیا تشکیلات واحد جنبش دانشجویی خارج از کشور متمرکز خواهد کرد. با توجه به ارزیابی فوق از نیروها و تشکیلات موجود در خارج از کشور، این مبارزه برای وحدت، در مرحله اول در جهت سازمانی که تحت عنوان کفدراسیون فعالیت می کند، انجام خواهد گرفت. در این زمینه انجمن ما کوشش می کند از طریق ایجاد بحث و زمینه های مشترک فعالیت، مبارزه علیه گروهگرائی، سکاریسم و سایر انحرافات و تقویت جوانب شرقی موجود در این سازمان، در جهت وحدت با آن حرکت کند.

انجمن ما این تصمیم را تقدیر در جهت وحدت نهایی و اصولی تمام عناصر جنبش دگرگونی و ملی دانشجویی خارج از کشور می داند.

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

مندرج در فصل پانزدهم بخش: (جنبش چریکی و تاثیرات مخربش در کنفدراسیون جهانی)

"جمع‌بندی پیشنهادی به مجمع عمومی انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در برلن غربی"

انجمن دانشجویان و محصلین ایرانی در برلن غربی در جریان بحث‌های چندین جلسه ای داخلی خود در ماه‌های گذشته، بحث‌هایی که بر محور مسائل فعلی جنبش دانشجویی ایرانی در خارج از کشور و به ویژه بر محور مساله وحدت دورمی‌زند، به نتایج زیر رسید:

۱- حل درست مسائل فعلی جنبش دانشجویی خارج از کشور می‌تواند تنها بر پایه درکی درست از ماهیت جنبش دموکراتیک ملی ایران انجام بگیرد. یکی از عمده ترین واقعیاتی که در این رابطه باید مد نظر قرار بگیرد و رهنمود حل مساله وحدت جنبش دانشجویی بگردد، این است که جنبش دموکراتیک ملی ایران بطور عینی در بر گیرنده طبقات، قشرها و گروه‌های خلقی مختلفی است که علیرغم تضادها و اختلافات طبقاتی و مرامی موجود بین آنها، بطور عینی دارای هدف‌های مشترک مرحله‌ای هستند. هدف این جنبش بطور عمده در شعارهای: سرنوشتی رژیم فاشیستی و دست‌نشانده شاه، قطع سلطه امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، ایجاد یک حکومت دموکراتیک خلق و غیره منعکس می‌شوند. جنبش دموکراتیک و ملی ایران در عین حال روزبروز بیشتر به این واقعیت آگاه می‌شود که رسیدن به هدف‌های جنبش جز از طریق اعمال قهر انقلابی - بمتابه عمده ترین وسیله مبارزه - ممکن نیست. بدیهی است که عناصر طبقاتی شرکت کننده در این جنبش، با حرکت از منافع دلیقاتی و قشری مختلف خود، از نقطه نظرهای متفاوت به ماهیت هدف‌های مشترک جنبش، وسایل مبارزاتی آن و عمق و پیگیری آن می‌نگرند و برخورداری آنها از مراتب رزمندگی، پیگیری و ذینفعی یکسان نیست. رابطه بین عناصر طبقاتی گوناگون جنبش را استمرار روند وحدت- مبارزه- وحدت، تا پیروزی نهائی جنبش معین می‌کند. روند وحدت- مبارزه- وحدت در رابطه با جریان تغییراتی است که در سطوح اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مرامی در داخل جامعه ایران و محیط تاریخی آن صورت می‌گیرد. مبارزه و وحدت نیروهای خلقی فقط در این رابطه اصیل و قابل فهم است. در نتیجه این تغییرات است که تناسب طبقاتی- سیاسی نیروهای خلقی در چارچوب جنبش دموکراتیک ملی تغییر می‌کند. در حال حاضر همراه با رشد روز افزون طبقه کارگر در ایران، قدرت عینی تعیین‌کنندگی آن در رهبری جنبش ملی نیز افزایش می‌یابد. بدیهی است که تحقق عملی این تعیین‌کنندگی تنها منوط به فراهم بودن شرایط عینی آن نیست، بلکه تابعی از نمایندگی درست منافع این طبقه در چارچوب جنبش دموکراتیک ملی نیز می‌باشد. آرمان تشکیلاتی جنبش دموکراتیک ملی، ایجاد جبهه متحد خلقی، به منزله سازمان واحد تمام نیروهای خلقی در سطح عام و تشکیل سازمان‌های دموکراتیک متحد جنبی در سطوح جزئی اجتماع است. یکی از معیارهای اصلی تشخیص درجه ذی‌علاقگی و رزمندگی عناصر و گروه‌های داخل در جنبش، درجه کوشش آنها برای تحقق وحدت تشکیلاتی جنبش در تمام سطوح است. پرواضح است که ضامن اصلی تحقق نهائی این هدف تشکیلاتی، رهبری جنبش دموکراتیک توسط طبقه کارگر و سازمان طبقاتی آن است.

۲- جنبش دانشجویی خارج از کشور بمتابه جزئی از جنبش دموکراتیک و ملی ایران بایستی خود را، چه از نقطه نظر هدف‌ها، شعارها، وسایل مبارزاتی و سازمانی و چه از نقطه نظر ترکیب نیروها، با توجه به امکانات خارج، تابع کل جنبش دانسته و براین اساس عمل کند. هرچه این تبعیت نزدیک‌تر، عملی‌تر، مستقیم‌تر و عمیق‌تر باشد، جنبش دموکراتیک دانشجویی خارج از کشور به قبول و ایفای نقش تاریخی خود نزدیک‌تر می‌شود. پذیرفتن عملی و کامل ماهیت جنبش دموکراتیک ملی، شعارها و هدف‌های آن و قبول این واقعیت که رهبری جنبش دموکراتیک ملی از داخل صورت می‌گیرد، تنها ضامن اجتناب جنبش دانشجویی از انحرافات و کج‌روی‌هاست. یکی از مشخص‌ترین نشانه های قبول این تبعیت، پذیرفتن عملی جنبی‌بودن جنبش دانشجویی و تشکیلات آن در خارج و دوری‌گرفتن عناصر سازنده آن از ایجاد سازمان‌های در اصل دانشجویی بی محتوی و پر مدعائی است که از خارج به انحاء مختلف دعوی رهبری و یا شرکت در رهبری جنبش داخلی را می‌کنند. با در نظر گرفتن تنوع طبقاتی نیروهای خلقی در مرحله فعلی جنبش دموکراتیک ملی ایران، بدیهی است که در جنبش دانشجویی خارج از کشور هم عناصر بیانگر نقطه نظرهای طبقاتی مختلف شرکت می‌کنند. وحدت سازمانی تمام این عناصر خلقی در یک واحد دانشجویی در خارج از کشور هدف نهائی تشکیلاتی این جنبش است. هرچه مبارزان خارج از کشور در جهت تصمیم اصولی این وحدت کوشا تر باشند، به انجام وظیفه مبارزاتی خود نزدیک‌تر خواهند بود. بدیهی است که وحدت جنبش دموکراتیک دانشجویی خارج از کشور تنها بر مبنای قبول تبعیت و پیروی کامل از جنبش در داخل بنحوی که ذکر شد، قابل تحقق است.

۳- با در نظر گرفتن آنچه گفته شد انجمن دانشجویی ایرانی در برلن غربی در باره مساله وحدت جنبش دانشجویی در خارج از کشور ارزیابی زیر را میکند:

الف- هدف نهائی هریک از سازمان‌های کنونی دانشجویی خارج از کشور باید تحقق وحدت تمام نیروهای دمکراتیک و ملی دانشجویی در خارج از کشور بر مبنای تبعیت کامل از هدف‌ها و شعارها و نیازهای جنبش در داخل باشد.

ب- انجمن ما با در نظر گرفتن انحرافات پیش از حدی که در این زمینه در مشی بعضی از سازمان‌های فعلی مشاهده می‌کند، در حال حاضر قائل به وجود هیچ‌گونه امکان وحدت با آنها نیست.

ج- انجمن ما با ارزیابی از نیروها و سازمان‌های فعلی در جهت منفرد کردن مشی‌های راست از یک‌طرف و وحدت با مشی‌ها و سازمان‌هایی که در انطباق با ویژگی‌های جنبش دمکراتیک ملی عمل می‌نمایند، مبارزه می‌کند.

۴- بررسی انجمن ما از نیروها و سازمان‌های فعلی جنبش دانشجویی خارج از کشور این تصور را بدست می‌دهد (مشی ضد خلقی و ضد انقلابی کمیته مرکزی و واضح بودن موضع انجمن ما نسبت به این گروه در این ارزیابی از بررسی آن خودداری می‌کند).

الف- خط راست، علیرغم تمایلات حسی و عاطفی توده وسیع دانشجویان این جناح به متری‌ترین ایدئولوژی‌ها و علاقه صادقانه آنها به جنبش دمکراتیک ملی، خط راست بخاطر گرفتاری در دام ذهنی‌گری‌ها و انحرافات رهبری آن، از جنبش دمکراتیک و ملی ایران فاصله‌های زیادی گرفته است. ذهنی‌گری‌ها و انحرافات رهبران این طیف بطور عمده به اشکال زیر تظاهر می‌یابد.

درک غلط از ماهیت جنبش دمکراتیک ملی و رد نظری و عملی شعار عمده آن، یعنی شعار سرنگونی رژیم فاشیستی شاه، نداشتن درک درست از امکانات و وظایف مبارزه در خارج از کشور که به ایجاد و حفظ گروه‌های سیاسی‌ای در خارج منجر شده است که به انحاء مختلف خود را شریک در رهبری جنبش رهائی‌بخش و طبقاتی شمرده و از ایتراه بخش معتناهی از مبارزان خارج را به گمراهی می‌کشانند. یکی دیگر از نتایج این تخریب بی‌محتوی نفی سازمان‌های داخلی جنبش و مبارزات آنها می‌باشد. نداشتن تصورات درست از واقعیات اقتصادی و سیاسی ایران و تمایل شدید به الگوسازی در این زمینه، کوشش در دادن جهت غلط به مبارزات ضد امپریالیستی جنبش از طریق عدم توجه به عمده‌بودن امپریالیسم آمریکا در ایران و در منطقه و عدم آمادگی به انتقاد از نظرات نادرست نسبت به ماهیت رژیم شاه. با در نظر گرفتن این انحرافات و ذهنی‌گری‌ها بدیهی است که در حال حاضر حل مساله با این جناح تنها از طریق کوشش در جهت منفرد کردن رهبری آن، طرد نظریات آنها و جذب توده‌های مبارز آن به داخل جنبش دمکراتیک ملی انجام می‌گیرد.

ب- میانه‌روان تا حد زیادی دارای همان انحرافات خط راست‌اند. قبول شعار سرنگونی از طرف آنها دارای هیچ‌گونه انعکاس عملی نبوده، بلکه بازتابی از بینش‌ها و روش‌های فرصت‌طلبانه آنهاست. حل مساله وحدت با این جناح نظیر حل این مشکل با خط راست است.

ج- گروه‌ها و عناصری که تحت عنوان کنفدراسیون فعالیت می‌کنند، در این جناح در مجموع طیف متنوعی از عناصر ذهنی طبقات و قشرهای خلقی مختلف دیده می‌شود. این واقعیت یکی از موارد انطباق بیشتر این جناح با خصوصیات جنبش دمکراتیک ملی در داخل را تشکیل می‌دهد. آمادگی اکثریت عناصر شرکت کننده در این جناح به پیروی از هدف‌ها و شعارها و نیازهای جنبش در داخل، به امکانات این جناح به تبعیت از جنبش می‌افزاید. این بدان معنا نیست که در این جناح اثری از انحرافات مختلف وجود نداشته باشد. این انحرافات بطور مثال در گروه‌گرایی و سکتاریسم حاکم در تفکر و روش اکثریت عناصر رهبری آن تظاهر می‌کنند. این واقعیت در فرصت‌های مختلف در تصمیمات رهبری این جناح تأثیر عملی پیدا کرده است. صرف‌نظر از بحث اجتناب پذیر بودن یا ناپذیر بودن انشعاب در کنفدراسیون این واقعیت باقی می‌ماند که رهبری این جناح بخاطر عدم شناخت از خط راست، در این رابطه از گروه‌گرایی حرکت کرده و منتجاً کوششی برای جلب توده‌های منحرف‌شده توسط خط راست ننموده است. نتیجه این‌گونه برخورد آن است که انشعاب به تضعیف خط راست نیانجامیده است. هنوز هم که یکسال از انشعاب می‌گذرد، رهبری این جناح کوششی برای مبارزه علیه خط راست و برای جلب توده‌های آن نکرده، بلکه با توسل به رد هر گونه تماس با این توده‌ها و یا حرکت از گروه‌گرایی، سکتاریسم و راحت‌طلبی خود راه‌های نزدیکی با دیگر دانشجویان و اقناع و جلب توده‌های تحت نفوذ خط راست را بیش از پیش بسته است. این سکتاریسم در روابط خارجی این جناح هم ضرورتاً و عملاً انعکاس یافته و به دفاع آن از جنبش‌های رهائی‌بخش لطمه می‌زند. این‌گونه رفتار نه تنها برای این جناح، بلکه برای جنبش داخل هم که توده‌های این جناح خواهان پشتیبانی از آن هستند، زیان بخش است. معه‌ذا آنچه امکان وحدت با این جناح را نفی نمی‌کند، همان نزدیکی بیشتر اکثریت عناصر سازنده آن به پیروی از شعارها، هدف‌ها و نیازهای جنبش در داخل می‌باشد. پروسه وحدت با این جناح باید در خدمت مبارزه علیه جنبه‌های منفی موجود در آن و تقویت جنبه‌های مثبت آن قرار گیرد.

۵- در داخل انجمن ما نسبت به مطالبی که در فوق ذکر شد و نسبت به نتیجه گیری‌های تشکیلاتی ناشی از این نظریات، اتفاق نظر وجود ندارد. این عدم توافق که بخصوص بعد از کنگره شانزدهم تبلور خود را در جنبش دانشجویی نشان داده است، ناشی از اختلافاتی است که از قبل در سطح سیاسی وجود داشته است. در حال حاضر این اختلاف در انجمن ما به صورت جمع‌بندی‌های مختلفی که در زمینه مسائل فوق به سازمان ارائه داده می‌شود، تظاهر می‌یابد.

بنابراینچه گفته شد، انجمن دانشجویان ایرانی تصمیم می‌گیرد که در حین ادامه مبارزات دمکراتیک خود (دفاع از جنبش نوین انقلابی و سازمان‌های پیشرو آن، دفاع از مبارزات مسلحانه در ایران، افشاء همه جانبه رژیم فاشیستی شاه، مبارزه علیه امپریالیسم و به ویژه علیه امپریالیسم آمریکا، دفاع از جنبش‌های رهائی‌بخش، بخصوص در منطقه) بخش وسیعی از فعالیت‌های خود را در جهت ایجاد وحدت و احیاء تشکیلات واحد جنبش دانشجویی خارج از کشور متمرکز خواهد کرد. با توجه به ارزیابی فوق از نیروها و تشکیلات‌های موجود در خارج از کشور، این مبارزه برای وحدت، در مرحله اول در جهت سازمانی که تحت عنوان کنفدراسیون فعالیت می‌کند، انجام خواهد گرفت. در این زمینه انجمن ما کوشش می‌کند از طریق ایجاد بحث و زمینه‌های مشترک فعالیت، مبارزه علیه گروه‌گرانی، سکتاریسم و سایر انحرافات آن و تقویت جوانب مترقی موجود در این سازمان، در جهت وحدت با آن حرکت کند.

انجمن ما این تصمیم را قدمی در جهت وحدت نهائی و اصولی تمام عناصر جنبش دمکراتیک و ملی دانشجویی در خارج از کشور می‌داند "

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

حمله سازمان آخن از نظر حزبی و ایدئولوژیک به انجمن اسلامی دانشجویان شهر کلن و حومه در دفاع از چگونگی انشعاب در درون سازمان مجاهدین خلق ایران.

مندرج در فصل پانزدهم بخش: (جنبش چریکی و تاثیرات مخربش در کنفدراسیون جهانی)

به دفاع از جنبش نوین انقلابی خلق به پا خیزیم

ب د ف ا ع از جنبش نوین انقلابی خلق به پا خیزیم !

چند ماه قبل کتابی بنام " میانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران " در داخل و خارج کشور پخش گردید و بحثهای فراوانی را پیرامون این بیانیه برانگیخت. برخورد به بحثها و استدلال گوناگون که پیرامون مواضع ایدئولوژیک اعلام شده صورت گرفته در حدود توانایی ما نیست و آنچه که ما را بر آن داشت که در اینجا به ساله برخورد نماییم حملات کینه توزانه ای است که امروزه از جهات مختلف و عناوین گوناگون به سازمان پرافتخار مجاهدین خلق صورت گرفته و میگیرد و با انواع و اقسام " استدلال " و تهمت های ناروا مرز خلق و ضد خلق و انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش کرده و با تمام نیرو و هم خود سعی می نمایند که آنرا سازمانی ضد خلقی و عمل انقلابیون را فاشیستی قلمداد کنند. جالب توجه اینجاست که اغلب این حملات تحت لوای " دفاع از منهد و اسلام " صورت میپذیرد. اخیرا اعلامیه ای بنام " انجمن اسلامی دانشجویان شهر کلن و حومه " پخش گردیده است که در آن بی شرمانه انقلابیون راستین میهن ما را " کفزارگان بی رحم " که " خواهان ارتزاق " از " جند مجاهدین راه خلق " می باشند معرفی میکند و خصمانه اعلام میدارد که خطر اینان " از خطر ۵ سال تلاش مذبحخانه و همه جانبه رژیم منافور پهلوی " بیشتر میباشد. این حضرات تحت لوای " دفاع از اسلام " در حمله با سازمان مجاهدین خلق تا آن حد گستاخی از خود نشان میدهند که عبادت رضا رطایی و دستگیری انقلابیون دیگر از سازمان مجاهدین را به رهبری کنونی سازمان نسبت میدهند. اینان میخواهند رد بانه اینگونه وانمود کنند که عده ای " مارکسیست نما " بدرون سازمان " رخنه " کرده و برای " کسب همبوسی " رهبری سازمان را بزیور تیغ جلادان محمد رضا غاصی فرستاده اند. اینان در جلسه ای که در تاریخ ۷۶/۳/۲۷ در شهر کلن برگزار کردند سازمان مجاهدین خلق را " عائن بخلق " و " منافق " " فاشیست " و هرآنچه که برآورده ~~شده~~ بود لقب دادند و تهمتهایی با بن انقلابیون امیل زدند که حتی رژیم منافور پهلوی از ترس مردم ایران نتوانسته است بزند و جالب اینجاست که این آقایان نام این لجن پراکندهای خویش را " تحلیل علمی " از بیانیه ایدئولوژیک گذارند. ما در اینجا بوضوح اعلام میداریم که از نظر ما حساب این عناصر از کلیه میهن پرستان مسلمان صادق با انقلاب و جنبش مردم که در راه آرمانهای خلق و علیه رژیم سفاک پهلوی مبارزه میکنند و نیز حتی با کسانی که بعلمت نا آگاهی بطور کوتاه مدت گول اکاذیب این آقایان را خورده اند و با تحت تاثیر تبلیغات آنان قرار گرفته اند جدا است و امیدواریم که اینان هرچه زودتر آن آقایان را در منجلابشان تنها بگذارند.

لازم بتوضیح است که در این میان سردمداران خط راست نیز در رقابت با این حملات گوی سبقت را ربوده و بنقاییه اندلاسیون مجاهد یا مرتدان " کمیته مرکزی " پرداخته و بار دیگر سند محکومیت خود را امتحان کردند. از این راست روان بورژوا لیبرال بهیشت این نمیتوان انتظار داشت.

بدیده ما سازمان معاهدین خلق ایران یکی از سازمانهای یمن انقلابی خلق ایران است که عقایدت و صداقت انقلابی خویش را در عمل با اثبات رسانیده است و دفاع بی قید و شرط از این انقلابیون و شیخه هر ایرانی چنین پرست بوده و ما نیز جز این نخواهیم کرد و در مقابل تمام آتکانه که با اکاذیب و تهمت های بی خرمانه خود سعی در لگد مال کردن آرمانهای انقلابی خلق ما دارند قاطعانه و تا باخر مبارزه خواهیم کرد *

ما یأتان همدار میبیم که این اکاذیب هرگز نمیتوانند ذره ای خلل در ایمان خلق دلاور ما نسبت به معاهدین تلبر وارد آورد و خلق ما بر سر این این تپتها هرگز گشت نخواهد کرد و یاسی در جور یأتان خواهد داد *

وقایع مبارز!

در شرایطی که رژیم مشغور بهلوی میخ از بهی تبلیغات خصمانه و خدشردی خود را در زیر لوار * مارکسیستهای مسلحان * عدت بخشیده است و از هیچ عملی در راه بدنام کردن و به لحن کدانش انقلابیون اصیل و صادق بخش اما ندارد خبر غرایبلی که عده ای سوداگر و خود جو برای بعمل در آوردن نیات خویش با رژیم جفاک بهلوی همدا عده اند و انقلابیون را خطرناک تر از رژیم عام خود بخوار معرفی میکنند * در غرایبلی که سرمتاران خط راست سعی در عقب نماندن از این قافله را دارند * در غرایبلی که عده ای که خود را * حامیان * جنبش چریکی باطل میدانند و بزذاتیه مهر حکومت بر لبزده و بدین وسیله آید در آسیای آن آقایان میریزند و بالآخره در غرایبلی که انقلابیون معاهد از هر طرف مورد حمله کپنه توزاته قرار گرفته اند بر ماست که قاطعانه بدفاع از انقلابیون چنین بر خواسته هر چه بیشتر بدبلیغ آرمانها و فتاورتهای آنان پرداخته و در قبال هر آتکی و هر جریانی که با آنها ماتی از فیصل آتیه در بالا رفت سعی در معذوم نمودن متفطل و شد خلق نماید قاطعانه ایستاده و اجازه ندیم که چنین سندی در جنبه ما رواج پیدا کنند زیرا که انامه چنین جریاناتی طلب اعتماد از مجموعه جنبش انقلابی خلق را بهمراه خواهد داشت و ما نیز در مقابل آن مستولیم *

سازمان دانشجویان ایرانی در آخن (وابسته بکفدراسیون جهانی)

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل پانزدهم

حمله سازمان آخن از نظر حزبی و ایدئولوژیک به انجمن اسلامی دانشجویان شهر کلن و حومه در دفاع از چگونگی انشعاب در درون سازمان مجاهدین خلق ایران.

"دفاع از جنبش نوین انقلابی خلق به پا خیزیم!"

چند ماه قبل کتابی بنام "بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران" در داخل و خارج کشور پخش گردید و بحث‌های فراوانی را پیرامون این بیانیه برانگیخت. برخورد به بحث‌ها و استدلال‌ها گوناگون که پیرامون مواضع ایدئولوژیک اعلام شده صورت گرفته در حدود توانایی ما نیست و آنچه که ما را برآن داشت که در اینجا به مساله برخورد نماییم، حملات کینه‌توزانه‌ای است که امروزه از جهات مختلف و به عناوین گوناگون به سازمان پر افتخار مجاهدین خلق صورت گرفته و می‌گیرد و با انواع و اقسام "استدلال‌ها" و تهمت‌های ناروا مرز خلق و ضدخلق، انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش کرده و با تمام نیرو و هم خود سعی می‌نمایند که آنرا سازمانی ضد خلقی و عمل انقلابیون را فاشیستی قلمداد کنند. جالب توجه اینجاست که اغلب این حملات تحت لوای "دفاع از مذهب و اسلام" صورت می‌پذیرد. اخیراً اعلامیه‌ای بنام "انجمن اسلامی دانشجویان شهر کلن و حومه" پخش گردیده است که در آن بی‌شماره انقلابیون راستین میهن ما را "کفتارکان بی‌رمق" که "خواهان ارتزاق" از "جد مجاهدین راه خلق" می‌باشند معرفی می‌کند و خصمانه اعلام می‌دارد که خطر اینان "از خطر ۵ سال تلاش مذبوحانه و همه‌جانبه رژیم منفور پهلوی" بیش‌تر می‌باشد. این حضرات تحت لوای "دفاع از اسلام" در حمله به سازمان مجاهدین خلق تا آن حد گستاخی از خود نشان می‌دهند که شهادت رضا رضائی و دستگیری انقلابیون دیگر از سازمان مجاهدین را به رهبری کنونی سازمان نسبت می‌دهند. اینان می‌خواهند ردیالانه این‌گونه وانمود کنند که عده‌ای "مارکسیست‌نما" به درون سازمان "رخنه" کرده و برای "کسب هژمونی" رهبری سازمان را به زیر تیغ جلاخان محمد رضا شاهی فرستاده‌اند. اینان در جلسه‌ای که در تاریخ ۷۶/۳/۲۷ در شهر کلن برگزار کردند سازمان مجاهدین خلق را "خائن به خلق"، "منافق"، "فاشیست" و هرآنچه که برآزنده ارتجاع بود لقب دادند و تهمت‌هایی به این انقلابیون اصیل زدند که حتی رژیم منفور پهلوی از ترس مردم ایران نتوانسته است بزند و جالب اینجاست که این آقایان نام این لجن پراکنی‌های خویش را "تحلیل علمی" از بیانیه ایدئولوژیک گذارند. ما در اینجا بوضوح اعلام می‌داریم که از نظر ما حساب این عناصر از کلیه میهن‌پرستان مسلمان صادق به انقلاب و جنبش مردم که در راه آرمان‌های خلق و علیه رژیم سفاک پهلوی مبارزه می‌کنند و نیز حتی با کسانی که بعثت ناآگاهی بطور کوتاه مدت گول اکاذیب این آقایان را خورده‌اند و یا تحت تاثیر تبلیغات آنان قرار گرفته‌اند جدا است و امیدواریم که اینان هر چه زودتر آن آقایان را در متجلایشان تنها بگذارند.

لازم به توضیح است که در این میان سردمداران خط راست نیز در رقابت با این حملات گوی سبقت را ربوده و به مقایسه انقلابیون مجاهد با مرتدان "کمیتة مرکزی" پرداخته و بار دیگر سند محکومیت خود را امضاء کردند. از این راست‌روان بورژوا لیبرال بیش از این نمی‌توان انتظار داشت. به دیده ما سازمان مجاهدین خلق ایران یکی از سازمان‌های بحق انقلابی خلق ایران است که حقانیت و صداقت انقلابی خویش را در عمل به اثبات رسانیده است و دفاع بی‌قید و شرط از این انقلابیون وظیفه هر ایرانی میهن‌پرست بوده و ما نیز جز این نخواهیم کرد و در مقابل تمام آن کسانی که با اکاذیب و تهمت‌های بی‌شماره خود سعی در لگدمال کردن آرمان‌های انقلابی خلق ما دارند قاطعانه و تا به آخر مبارزه خواهیم کرد.

ما به آنان هشدار می‌دهیم که این اکاذیب هرگز نمی‌تواند ذره‌ای خلل در ایمان خلق دلاور ما نسبت به مجاهدین دلیر وارد آورد و خلق ما بر سر این تهمت‌ها هرگز گذشت نخواهد کرد و پاسخی در خور به آنان خواهد داد.

رفقای مبارز!

در شرایطی که رژیم منفور پهلوی بیش از پیش تبلیغات خصمانه و ضد مردمی خود را در زیر لوای "مارکسیست‌های مسلمان" حدت بخشیده است و از هیچ عملی در راه بدنام کردن و به لجن کشاندن انقلابیون اصیل و صادق به خلق ابا ندارد، در شرایطی که عده‌ای سوداگر و سودجو برای به عمل در آوردن نیت خویش با رژیم سفاک پهلوی هم‌صدا شده‌اند و انقلابیون را خطرناک‌تر از رژیم شاه خونخوار معرفی می‌کنند، در شرایطی که سردمداران خط راست سعی در عقب‌نماندن از این قافله را دارند، در شرایطی که عده‌ای که خود را "حامیان" جنبش چریکی داخل می‌دانند، بزدلانه مهر سکوت بر لب زده و بدین وسیله آب در آسیاب این آقایان می‌ریزند و بلاخره در شرایطی که انقلابیون مجاهد از هر طرف مورد حمله کینه‌توزانه قرار گرفته‌اند بر ماست که قاطعانه بدفاع از انقلابیون میهن‌پرخواسته هر چه بیش‌تر به تبلیغ آرمان‌ها و دستاوردهای آنان پرداخته و در قبال هر آنکس و هر جریانی که با اتهاماتی از قبیل آنچه در بالا رفت سعی در مخدوش نمودن صف خلق و ضد خلق نماید قاطعانه ایستاده و اجازه ندهیم که چنین ستم‌هایی در جنبش ما رواج پیدا کنند زیرا که ادامه چنین جریاناتی سلب اعتماد از مجموعه جنبش انقلابی خلق را به همراه خواهد داشت و ما نیز در مقابل آن مسئولیم.

سازمان دانشجویان ایرانی در آخن (وابسته به کنفدراسیون جهانی)"

